

مؤلف:

د. یوان

موضوع:

ادبیات

موضوع دوم:

روایت‌های تاریخی و ادبی در مورد ایران باستان

موضوع سوم:

دوره ساسانی

موضوع چهارم:

تاریخ

موضوع پنجم:

7-11-1978-10-1979

موضوع ششم:

ادبیات

موضوع هفتم:

ادبیات

موضوع هشتم:

تاریخ

موضوع نهم:

ادبیات

موضوع دهم:

7-11-1978-10-1979

موضوع یازدهم:

7-11-1978-10-1979

موضوع پانزدهم:

7-11-1978-10-1979

موضوع شانزدهم:

7-11-1978-10-1979

موضوع هجدهم:

7-11-1978-10-1979

موضوع نوزدهم:

7-11-1978-10-1979

موضوع بیستم:

7-11-1978-10-1979

د. یوان

پروین اعصاب

بکوشش و ویرایش: کاظم عابدینی مطلق

راهنمای نویسنده: دکتر

راهنمای ویراستار: دکتر

راهنمای ناشر: دکتر

راهنمای مترجم: دکتر

راهنمای ناشر: دکتر

راهنمای ناشر: دکتر

7-11-1978-10-1979

7-11-1978-10-1979

7-11-1978-10-1979

سیرشناسه : اعتصامی، پروین، ۱۳۸۵ - ۱۳۳۰.

عنوان قراردادی : دیوان

عنوان و نام پدیدآور : دیوان پروین اعتصامی/ به کوشش و ویرایش کاظم عابدینی مطلق.

مشخصات نشر : قم: نسیم تحول، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۵۲۰ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۲۱-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیها

یادداشت : واژه نامه.

یادداشت : نمایه.

موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴

مناسبت : عابدینی مطلق، کاظم، ۱۳۴۵ - ، گردآورنده، ویراستار

رده بندی کنگره : PIR۱۳۹۵ ۷۶۱۴

رده بندی دهی : ۱/۶۳۹۸

شماره ثبت کتابخانه ملی : ۴۱۳۸۹۴۵



دیوان پروین اعتصامی

مؤلف : پروین اعتصامی

ناشر : نسیم تحول

چاپ : احسان

نوبت چاپ : اول ۹۶

طراح جلد: محمود هدایی

شمارگان : ۱۰۰۰ جلد

قیمت جلد : ۳۵۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۷۲-۲۱-۲

همراه : ۹۳۵۵۲۲۹۲۳۸

تمام حقوق محفوظ است

مقدمه

رشدۀ بلقُب به پروین، دختر مرحوم یوسف اعصامی «اعصام الملک آشتیانی» در (۱۲۸۵ خنـد ۱۲۸۵ ش/ ۱۹۶۶ م) در تبریز متولد گردید.

پدرش یوسف اعصامی (۱۳۱۶: ۱۳۱۶ ش)، ادیب، مترجم و دانشمند فارسی‌ست بسیار معروف و مادرش، اختر (۱۳۵۲: ۱۳۵۲ ش)، دختر میرزا عبدالحسین خان قوام الدوله تبریزی است. پروین در پنج سالگی یعنی در ۱۳۱۱ ش همراه خانواده‌اش به تهران آمدن و نخستین آموزگار وی پدرش بود که ادبیات فارسی و عربی را نزد وی آموخت. خانۀ یوسف اعصامی محلّ جمع‌شدن ملاقات ادیبان و نویسندگان بود. از این رو، پروین از همان کودکی با ادیبان دوره‌ی خود مانند: علامه دجندا و ملک الشعرای بهار آشنا شد. حاج سید نصرالله تقوی در این زمینه می‌گوید: «من از رفقای نزدیک اعصام الملک بودم و ساعاتی ممتد را در خانۀ او در کتابخانه‌اش به بحث و مطالعه ادبی با وی گذرانیده‌ام.

خانم پروین از خرد سالی، بدون سختی در کنار مایه نشت و با عیش خارج از حوصله‌ی کودکان به گفتار و گوش فرا می‌داد. اولین شعرش را در سن هشت سالگی سرود. در این سن، فارسی را روان می‌خواند و می‌نوشت. پروین، قطعه‌ی بی‌ارکه اعتصام الملک از زبان فرانسه ترجمه کرده بود، به شیوه‌ی انوری قالب زبان فارسی به شعر آورد. من چندین بار با اعجاب آن را خواندم و از آن پس، به او با نخی که شایسته‌ی عرفا و حکمای قرون گذشته بود، نگاه کردم.

پروین در ابتدای دوران ابتدایی، وارد مدرسه‌ی آمریکایی دختران بهوسوم به «ایران بیت آل» شد و در خرداد ۱۳۰۲ ش. دوره‌ی مدرسه را به اتمام رساند و مدتی در آن جابه‌تدیس پرداخت. در این زمان به واسطه‌ی چاپ اشعار و مجله‌ی بهار، که پدرش ناشر آن بود، و نیز مقبوضت در اتمام درس دبیرستانی، نام او بر سر زبان‌ها افتاد تا جایی که آواز هاشم به‌گوش رضا شاه رسید. در سال ۱۳۰۴ از وی خواست تا به دربار برود و مطلقاً به سر و پسر شاه راعده داد. اگر کرد، که پروین از رفتن به دربار اقبال و رزید. در سال ۱۳۱۳ ش.، پروین با پسر عموی پدرش فضل از آذربایجان به خاوه‌ن‌فال، رئیس شهربانی کرمانشاه ازدواج کرد. اما این پیوند چندی بیش‌تر دوام نیاورد و با جدایی شوهرش پایان یافت. پس از این زمان، فعالیت‌های علمی و اجتماعی پروین، بشل تازه‌ی بی‌به‌خود گرفت.

بدین ترتیب، در ۱۳۱۴ ش.، دیوان او به‌گوشش برادرش ابوالفتح اعتصامی و با مقدمه‌ی بسیار ارزشمند ملک الشعرای بهار در تهران به چاپ رسید. استقبال مردم و محافل علمی از دیوان پروین به‌میزانی بود که تا سال ۱۳۲۰ یعنی ظرف شش سال این دیوان سه بار تجدید چاپ شد.

یکت سال پس از چاپ دیوان، در سال ۱۳۱۵ ش از طرف وزارت معارف، نشان درجه علمی به پروین ابد شد. پروین در خرداد همین سال بیست کتابداری کتابخانه ملی و انشورای عالی برگزیده شد، ولی بیماری پدر باعث گردید سال بعد، از این شغل کناره گیری کند. اعتصام الملک در زمستان ۱۳۱۶ ش در گذشت. برنگ وی به گوشه گیری، سکوت و انزوای پروین افزود. تنها اطلاعاتی که از روحیات و رفتار پروین در این دوره گزارش شده، مطالبی است که دوست نزدیک وی، سرور محکامه (مختص، بیان زندگانی است).

پروین، تنها چهار سال پس از پدر زندگی کرد، وی در فروردین ۱۳۲۰ ش، در تهران بیمار شد و در گذشت و در صحن جدید قم، در کنار پدر و در آرامگاه خانواده، اش برای همیشه تقاب خاک بر چهره کشید قطعه‌ای که از پیش برای مرگش سروده بود، بر سنگ قبرش نقش بسته شد. این مطلع سروده شده است:

این که خاک سبیش بالین است اختر صبح ادب پروین است



احساس لطیف و پر شور پروین، این شاعر توانای گرامی را به سوی سرودن اشعار جالب احاطه بخش نمودن مسائل اخلاقی و ارزشی کشید و این گونه بود که بایان درد دردمندان و رنج رنجبران، در کوتاه ترین زمان، نام خود را در پهنای ادب فارسی جاویدان ساخت. علامه قزوینی وی را «ملک النساء الشعراء» یعنی ملکه‌ی زنان شاعر نامیده است.

پروین، مکت «دخت باغ شعر امروز، با شعر «کنج امین» به افتاد از دولت وقت برخواست و برای آگاهی دادن به مردمان زمان خود، با الهام گرفتن از داستان و حوادث تاریخی از رفتار سگزاره‌ی زورمندان انتقاد کرده است.

از مضامین اجتماعی و اخلاقی را شجاعانه، و به زبان ساده و دلشین در قالب قصیده، غزل و قطعه بیان کرد.

به قول بهار: «پروین» در این بود که توانست افکار و عقاید جدید را با ممانعت و تحکام و لطف، بیان کند و در قالب بیان معمول، مودبانه و روان، بیاورد.

اولین اثر این شاعرهای نوزدهم، «دیوان» که پنج هزار بیت داشت، چاپ گردید. دیوان اشعار به کوشش ابراهیم امینی، با مقدمه‌ی بارز شملک الشعرای بهار چاپ شد که پس از مرگ وی، ۱۳۲۰ بیت دیگر در قالب ۵۰ قطعه به آن اضافه گردید. این چاپ در سال ۱۳۲۰ ش صورت گرفت و در سال ۱۳۲۳، برای بار دوم به چاپ رسید.

اثر دیگر او «زن و تاریخ» می باشد. این مقاله خطاب به بیست و پروین، در سوم جوزای ۱۳۰۳ ش به مناسبت فراغت از تحصیل در مدرسه‌ی امریکایی دختران خوانده است.

یوسف اعتصامی، که لقب به اعتصام و قزوین از او به اعتصام الملک معروف شد، در سال ۱۲۵۲ ش دبیر نوبه دنیا آمد. دوران جوانی وی همان با دوره‌ی تجددخواهی مردم در سراسر ایران، به ویژه تهران و تبریز بود. شهرت بسبب ریش کدر گاهی بر سر راه مراکز فرهنگی ترکیه، مصر، عثمانی، روسیه و اروپا

بود؛ لذا ایران زودتر از سایر مناطق، صاحب قانون های فرهنگی مانند: مدارس، چاپخانه، کتابخانه و روزنامه به سبک اروپایی باشد.

یوسف در همان جوانی به ترجمه و تألیف کتاب دست زد و به همین دلیل از کارهای دولتی کناره گیری نمود. وی مجتبی بی به نام «کنجینه ی فنون» در سال ۸۲-۱۲۸۱.ش را به همراه سید حسن تقی زاده و محمد علی تربیت «تبریز نشتر» نمود. اعتصام الملک پس از مشروطه در دوره ی دوم مجلس از طرف مردم انتخاب شد.

در سال ۱۳۲۸.ق مجله ی بهار که نخستین مجله ی نوپس او بود، در ایران منتشر کرد. یوسف در سال ۱۳۴۲.ق به ریاست کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی که در تشکیل داده بود منصوب شد و سرانجام در سال ۱۳۱۶.ش در تهران درگذشت و در قبرستان سپهبدان پروین در سوگ پدر سروده یی زیبا دارد که بسیار معروف است.

آثار یوسف اعتصام الملک، پدر پروین عبارت است از:

۱. مقدمه بر چند بیت مصیبت آل عباس، تبریز، ۱۳۱۱.ق (اصل کتاب از میرزا علی ادیب خات است)
۲. تربیت نوان، تبریز ۱۳۱۸.ق (ترجمی از کتاب تحریر المرأة اثر قاسم امین مصری)
۳. ثورة الهند، مصر ۱۳۱۸.ق (نام دیگر این کتاب المرأة الصابرة، سرگذشت خانم هورت است)
۴. قلاید الادب فی شرح اطواق الذهب، تبریز ۱۳۱۹.ق مصر ۱۳۲۱.ق (این کتاب از جابر الله زنجیری در شرح یکصد مقاله اخلاقی و حکمی است)

۵. سفینه‌ی خواصه، تبریز، ۱۳۲۰. ق (اصل این کتاب از ژول ورن است)
۶. خدعه و عشق، تهران، ۱۳۲۵. ق/۱۹۰۷. م، ۱۷۷ ص (اصل کتاب از فردریک شیلر، شاعر آلمانی است که الکساندر دو مان آن را به فرانسه ترجمه کرد و اعتماسی از فرانسه به فارسی برگرداند.)
۷. تیره بختان، تهران، ۱۳۴۳. ق/۱۳۰۳. ش ۳۸۸ ص (این کتاب اثر ویکتور گوگو، بنویان است)
۸. سیاحت تحت البحر، تهران، بی تا، همان سفینه خواصه است که پس از تبریز در تهران چاپ شد
۹. هدرت کتابخانه، مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۰۵. ش (مجله اول)، ۱۳۱۱. ش (مجله دوم)
۱۰. سیاحت نامه غلامرضا، تهران، ۱۳۱۴. ش)، ۱۵۹+۱۴
۱۱. مجله‌ی بهار (نشریه‌ی دوستان بود)



«در عصری ادب فارسی کمتر زنی را سراغ داریم که در دوران کوتاه عمر خودش بانو «رخنده»، پروین، خوب بدرخشد و تا این حد محبوبیت پیدا کند بشناسا و با آموختن به قدری بود که «دکترین زمان» مبادی علوم را از پدر آموخت و از حضور دانشمندی همچون بهار، نفیسه، اقبال و تقوی بهره‌مند شد.

پروین پس از متار که، حادثه‌ی ناخوشایند زندگی خود را در چند بیت بیان داشته است:

ای گل! تو ز جمیعت گلزار، چه دیدی؟	جز سرنش و بدسری خار، چه دیدی
ای لعل دل افروز! تو با این همه پرتو	جز شتری مضطرب به بازار چه دیدی؟

رفتی بچمن، لیک قش گشت نصیبت غیر از قش ای مرغ گرفتار! چه دیدی؟

پروین، فردی با احساس و دارای ذوق بسیار بود که قدرت درک بالایی داشت و با بطنان معاصر خود بسیار متفاوت بود. احساسات لطیف و انسان دوستانه را در قالب شعر بیان کرده است. بخوبی که بر هر دلی می‌نشیند و هر کسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بهین لحاظ، مورد حسادت آشنا و یگانه قرار گرفت.

پروین چهار برادر به اسم: ابوالفتح، نصرالله و دکتر سعید اعتصامی داشت که از میان آنها ابوالفتح علاوه بر تسلط به فارسی و عربی، به زبان فرانسه و انگلیسی نیز کاملاً آشنا بود و زبان آذری را هم می‌دانست.

مردی که پروین با وی ازدواج کرد، از افسران شهبانی وزیر شهبانی کرمانشاه بود. بهین سبب، اخلاق نظامی او با روح لطیف پروین مغایرت داشت و علت غایب جدایی آنان نیز همان اختلاف فاحش اخلاق و طرز تفکر طرفین بود. پروین در سال ۱۳۱۳ ش. در کرمانشاه قطعی به عنوان سنجی سنجی «سرو» که بیت پایانی آن چنین است:

بسی خوشتر و نیک‌تر، نزد پروین ز دمسازی یار ناسازگاری

و نمایان‌کننده‌ی سختی‌های و ناسازگاری‌های همسرش می‌باشد.

شعر «اسک» اثر طبع لطیف پروین به مناسبت شهادت میرزاده‌ی عشقی، شاعر انقلابی معاصر

است که با این مطلع آغاز می شود:

«اسک، طرف دیده را گردید و رفت او فتاد آهسته و غلتید و رفت»

و همچنین ثنوی «عمر گل» را نیز بسبب عمر کوتاه «عشق» سرود:

سحر که غنچه بی در طرف گلزار ز نخوت، برگلی خندید بسیار

پروین پنهان به ما "سی آثار" و «هدایت» نمی پرداخت. گویی کوتاهی عمر خویش را پیش بینی کرده بود. لذا وقت نیل را صرف خلق آثار خود می کرد.

خانم سرور مکالمه مختصر که از انسان نزدیک پروین است، در مورد چهره و رفتار ظاهری پروین می گوید: «پروین صورتی مناسب و پوستی عید چشم و ابروی کشی، دمانی سنگ و لب و دندان زیبا داشت، بینی اش ظریف، قدش متوسط و اندامش نیز با جاق بود».

در میان سروده هایش احساس و عاطفه ی مادری جلوه می کند. اگر چه بگز مادر نشد، ولی چون او زن است، به طور فطری این احساس در وی نهاده شده است. داستان حضرت مریم و رها شدنش در آب نیل با مطلع:

«مادر موسی چو موسی را به نیل ده خند از گفته ی رب جلیل»

پروین به طور کامل، التماس درون یک مادر را در کنار رود و خوشانی چون نیل بیان کرده است

و این احساس «قطعی» آشیان ویران» به اوج می رسد.

اما آنچه که در اشعار این بانوی بزرگوار مشاهده می شود آن است که، برخلاف سایر شاعران زن، به عشق زمینی توجهی نداشته است. اگرچه در رساله‌ی «مغانی» اثر افلاطون آمده است که راه صحیح برای اینکه انسان به کمال شق برسد و یا به راهنمایی شخص دیگری به سوی آن هدایت شود، این است که انسان از زیبایی‌های زمینی شگوشه کند و از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر پله‌پله بالاتر رود؛ یعنی از یک بدن زیبا متوجه دو بدن یا همه‌ی بدن‌های نیاشود و از بدن‌های زیبا به اعمال زیبا و از زیبا به شناسایی زیبایی‌ها توجه پیدا کند تا سرانجام، آن آشیان برسد که موضوعش خود زیبایی است و بدین ترتیب به توجه خود زیبایی شود و آن را بشناسد.

بدون شک، مولوی و حافظ و عطار و سنایی و... این بردو عشق را تجربه کرده اند. به همین دلیل این همه شور و عشق «غزل» یا نشان موج می زند و شهریار نیز تالی آن است. ولی عشق پروین از گونه‌ی دیگر است؛ عشق به عالم بشریت، مهرورزیدار. به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، به قول دکتر زرین کوب: «مردانه در قلم و شعر ظاهر شده و با جلوه‌ی بی‌مردانه در میدان هنر و ادبیات رخ نمود. شاید نخستین زنی است که تفاوت ارزش‌های اجتماعی «زن و مرد» را از بین برد و مردان را وادار کرد که متواضعانه خست باشند».

از خصوصیات خوب پروین، فروتنی وی است. پروین نه تنها خود را برتر از دیگران نمی داند بلکه دیوان خود را «صحیفه ناچیز» و سخن خود را «صفر» نامیده است. او نیز خود را کمتر از دزه می داند:

چکامه و سخن من به صغری مانست که در برابر اعداد در شماری بود

این شاعر گرانمایه از تجربه بیزار است و تجربه دیگران را انکوش می کند و می گوید: (بترزد یو پرستی است خود پرستیدن) و یا (هنروران نپسندند خود پرستیدن).

سبک شعر پروین اعتصامی:

و می از نظر سبب شعر، بیشتر قطعه، ثنوی و قصیده سروده است و پنج قطعه ترکیب واره و پنج قطعه غزل دارد. اما که او را انی را از سبک خراسانی و شیوایی را از سبک عراقی گرفته و پیام خود را با استادی تمام در قالب های فایم عرضه داشته است.

قصاید پروین، قصاید پر آب است ماضی را یاد می آورد و قطعه هایش یاد آور قطعات زیبای سعدی، انوری و ابن مین است. البته از نظر شیوه ی بسیار. سبک اشعار پروین «سببیم» است، که شعرش از نمونه های عالی سببلیک در زبان فارسی به شمار می رود. در شعر او، حیوانات و جادات سببول انسان می باشند و در حقیقت، تنها طفل تیم و بیهوده زن و جوان فقیر نیستند که از دایمی خویش می گویند بلکه مثل کلید و دمنه حیوانات نیز سخن می گویند: بلبل و زاغ، طاووس و طوطی، پروانه، کرم، پیله و کبره و... و جادات مانند گل سرخ و زکس و آسیا، آب و دیوار، نخ و سوزن و... مانند انسان از دایمی نهفته ی خود با انسان سخن می گویند.

علاوه بر سرودن اشعار زیبا در دوره ی معاصر پروین را بزرگترین شاعر زن و قوی ترین قطعه سرا و

مناظره پرداز می دانند.

به نظر من یکی از ویژگی های شعر پروین، سادگی، روانی و یکدستی اشعارش است که مورد استقبال مردم قرار می گیرد. بخصوص نسل جوان انظار علاقه ی بیشتری به این شاعر فارسی زبان می کند. پیام روشن شعری در آشنایی و اظهار همدردی او با دردمندان و محرومان است. به همین دلیل، زن را - که از دیدگاه پروین فشرده ی انس نام گرفته است - با مرد برابر دانسته و به نحوی می خواهد با او همدردی کند. لذا می گوید:

در آن سرای که زن نیست، انس شت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
این شاعر که انقدر عاشق علم، هنر و معرفت است و در سر استی به تاش این سه مقوله می پردازد.

به هنر کوشش که دیبای هنر	بچ بافند به بازار نداشت
آن را که دیبای هنر و علم در بر است	فرش سرای از چرم از آن که بور است
پروین با شراب معرفت از جام علم نوش	زیب یابد سروتن از آب و انش

تحقیق، پند حکمت و ارشاد و راه بنیادی در جای جای سخنان او آشکارا به چشم می خورد. او برای تمدن کارگر اهمیت بسیاری قایل است و از آرزو زیاده طلبی سخت بیزار است.

در سال ۱۳۸۵ ش که این شاعر توانا متولد شد، انظار وجود برای زنان آنقدر آسان نبود. در چنین شرایطی است که پروین اعجاب همه را برمی انگیزد و در تحقیق، خلا به وجود آمده را چنان پر می کند که هر

شونده بی زبان تجمین اومی کشاید و در این شرایط، دیوان با ارزش خود را که بالغ بر هفت هزار بیت است به یادگاری گذارد و با خواندن اشعار او دست مثل این است که حکمی جهان دیده و عارفی بخیده لب بر سخن گشوده است.

ملک الشعرای بهار می گوید: «اگر تنها غزل «مفراست» از این شاعر شیرین سخن باقی مانده بود کافی بود که وی را در بارگاه شعرا و دبستان جایگاهی عالی و ارجمند بخشد تا چه رسد به اشعار «لطف حق»، «مفراست»، «روح آزاد» و...»

سروده های وی برای عوام، قابل فهم و برای خواص تجمین برانگیز است. قریحه اش تابناک و طبعش چون آب، زلال و سست. به نثر و پرین همچون تاره بی جاوید در آسمان علم و ادب ایران جاودان خواهد ماند. صداقت و صراحت، گستر این شاعر عالی قدر اشعار او را برای همیشه زنده نگه خواهد داشت. اگرچه ارزش بزرگانی مثل پروین، به از مکرشان آشکاری شود و در یغاگوی بسیاری پیدا می کنند و بر ایشان نوحی سراینده ولی افراد بسیاری هم بودند که در همان دوران زندگی این شاعره فریخته برای وی ارزش فوق العاده بی قائل بودند و به او احترام و ارادت داشتند.

محمد جمال الحاشی، در مجله «الثقاف»، سال سوم شماره ۱۲، شهری، ۱۳۰۷، در یادداشتی که در آن سروده است این امر نشان می دهد که پروین حنا نزد عرب نیز شناخته شده بود که البته این شهرت را دیون پدرش می باشد. چند بیت از ترجمه آن سروده:

بکوتر فضل و نابعی شرق، شاعر جوانگر ایران، پروین اعتصامی

پرواز کن میان پرندگان بشت و بنوش از شبنم گل های فروزان آن؛ باز گویا تارگان، اشاری را که
جهانی از لطافت آن سرست گردید...

پروین، مقدّماتی از معانی و بیان را نزد پدر دانشمندش تلذّذ کرده بود، ولی صنایع ادبی و عروض و قافیه
هم در حصر بروین قرار نمیگرفت. نظریات تقی‌زانی و شمس‌قلیس رازی بود. ادبیات تطبیقی در نزد ملّی‌شرقی،
خاصه اعراب بزرگ، ایرانی نامنفومی نداشت و کمتر کسی بود که معادل اصطلاحات ادبی را در
زبان های اروپایی بداند. اما پروین به رذاتی، شاعر آفریده شده بود و در ناخود آگاه وجودش مسائل
«بیان و بدیع» جای گرفته بود.

شعر پروین ترانه‌ی روح افزای مهر، عاطف نیست است و از نواد روزگار و تقلید ناپذیر است
و از نظر مسمّات در لفظ و معنی با شعر ناصر خسرو برابری می‌کند. وی طبعی بسیار بلند داشت و در هر زمینه‌ی
می‌توانست شعر بسراید. این شاعر گرانگشت باشوهری بهر میندا، شعر خود را سروده است به گونه‌ی که در
زبان و شعر فارسی نظیر ندارد. پروین بادل احساس می‌کند و ساخته های خود را به زبان های راند و تنها زن
ایرانی است که معنی واقعی کلمه شاعر بوده است. پروین عاشقی است راستین که دایره‌ی عشق را به عشق اجتماعی او
همه عالم را در بر می‌گیرد. وی عشق عارفانه که اولین انگیزه‌ی آفرینش و تنها وسیله‌ی رسیدن به حق است،
معتقد می‌باشد. اما به قول استاد فرزانه جناب آقای میرجلال الدین کرمانی: «اگر ما گذرا و شتابزده به دیوان
پروین و دهنده انگاهی بنگریم، آشکارا خواهیم دید که از دید بکشت شاسی هیچ نزدیکی و پیوندی میان شیوه‌ی
شاعری پروین و شیوه‌ی سخنوری دهنده نمی‌توان یافت.» برخی به علت حسادت گفته بودند که این اشعار از

پروین نیست و سروده های مردانه است. اگر دقیق بنگریم، خواهیم دید که «عمق این سروده ها احساس لطیف زنانه‌ی وی آشکار است.

در مورد مناظره های پروین باید گفت این شیوه در قصاید طرز «سؤال و جواب» یا «مناظره» گفتمی شود از دوره های قدیم مخصوص ادبیات شمال و غرب بوده است. شاعران آذربایجان و عراق بیشتر باین شیوه شعری سرودند. اسدی توسی در خراسان بکبر این روش بود و پس از او نظامی بخوی و خواجه کرمانی سروده‌ی این از این قبیل عرضه داشتند. موضوع مناظره قبل از اسلام در خراسان هم رایج بوده است.

نمونه‌ی بارز آن به نمونه‌ی «حسن آسوریک» است که به زبان «پارتی» پهلوی اشکانی سروده شده است و بیشتر قابل تأمل و تمثیل های «پیر» است. مناظره دارد. او در انتخاب روش مناظره استقلال تفکر خود را نشان می‌دهد. تحلیس های این شاعر محترم ما بشینیان به طور کامل متفاوت است؛ برای مثال در مناظره‌ی «دو قطره خون» شعر را به بخوی آغاز می‌کند که «سنده از واژه‌ی «خون» وحشی احساس نمی‌کند. دقت بفرمایید:

شنیده‌اید میان دو قطره خون چه گذشت
یکی گفت به آن دیگری: تو خون که ای
که مناظره، یکت به سر گذری
من اوقادم اینجا، ز دست تاجوری

(دیوان، ص ۲۴۴، بیت ۲۰۱)

«قطعات» «دزد و قاضی» و «مست و هوشیار» چنین به نظری رسد که صبر و سکوت در مقابل بیدادگران

سبب استمرار غم می شود.

به علت وجود این گونه مناظرات بسیار زیبا که بهانه‌ی بی برای بیان دردها و احساسات شاعر بوده است، همچنین حکایات و تیشلات وی که با طرافت خیال و روح پخته و معتدل در قالب کلمات ریخته شده است، دیوان او جا به جا شده است.

پروین به استقبال شاعر بزرگ رفته است. همان طور که ذکر کردیم از حاکان و زورمندان استعاده نموده و از ستیدگان طرفداران سروده و سروده هایش که رنگ ستم ستیزی دارد، به استقبال شاعر عالی مقام خراسانی، ناصر خسرو قبادیانی رفته است.

از جمله در این سروده که پروین به شادری در حال بدنیاندن غم آن را نخورید، به این نمونه دقت شود:

ناصر خسرو:

مرد را خوار چه دارد؟ تن خوش خوارش چون تو را خوار کند چون کنی خوارش!

پروین:

ای شده شفیقه‌ی گیتی و دورانش! دهر، دریاست، بنیدش ز طوفانم!

و از دیدگاه ارشادی و پند دبی به سعدی توجه دارد:

سعدی:

ترگ دنیا به مردم آموزند خوشتر سیم و غله اندوزند!